

بیتاخذ

# گربه‌های جسور!

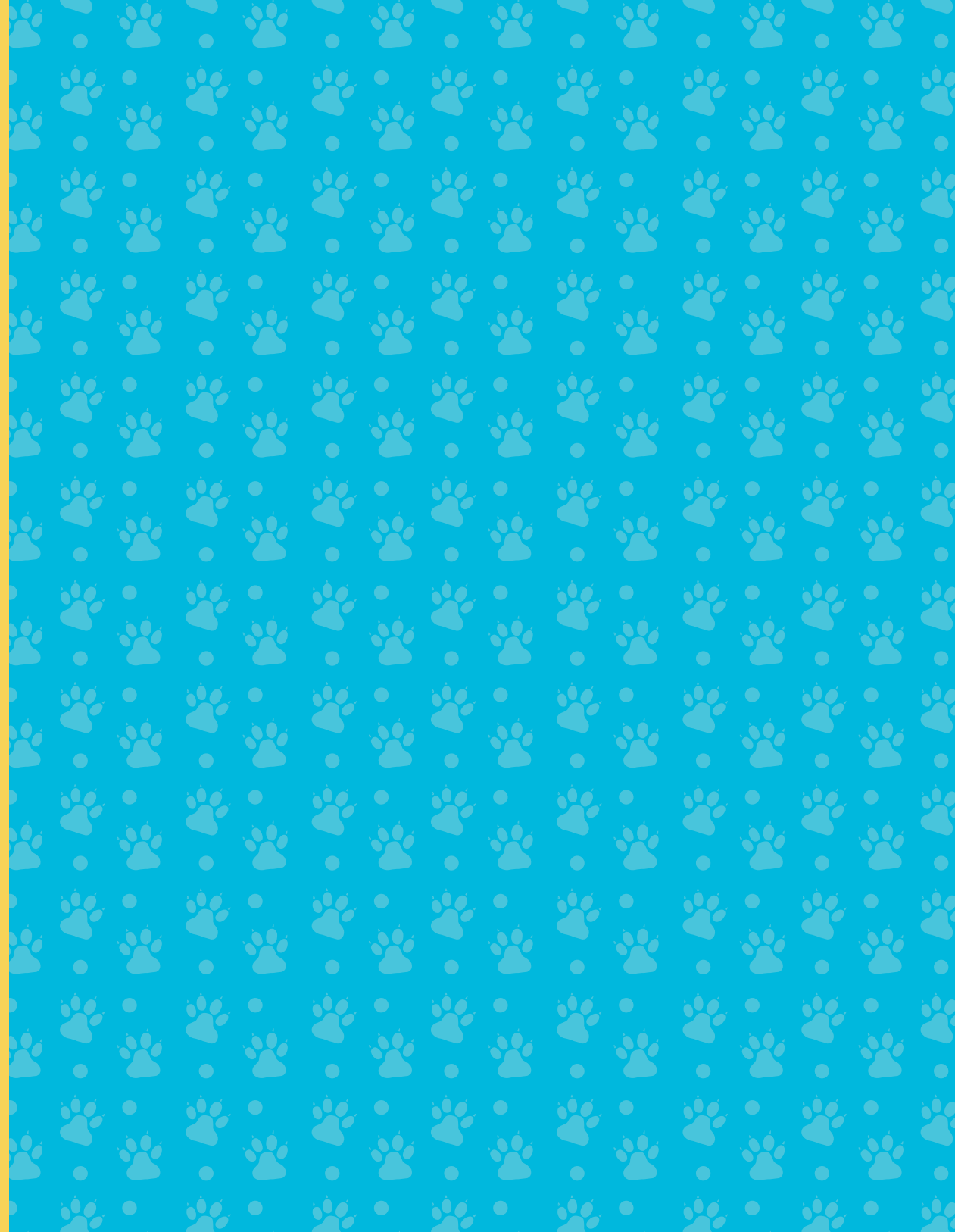
سرگذشت شجاعانه‌ی پیشی‌سانان پُر شر و شور

بیتا  
Hoopla

گریه‌های حسودا  
گزشت  
جایگاه  
پیش از آن  
پیشرفت  
کیمبرلی همیلتون  
مترجم: خاطره کردکریمی

تصویرگران:

الی رانیون، اندرو گاردنر، بکی دیویس، شارلوت ارچر، اما جین، هالی استرلینگ،  
وی اسکپ، جسیکا اسمیت، کیتی ویلسن، لی لی روسیتر، مایکل هیرد، نان لاونسن،  
الیویا هولدن، ریچل السوپ، ریچل سانسون، ریسا رودیل و سم لومان





## REBEL CATS

Text © Kimberlie Hamilton 2018

Cover illustration by Risa Rodil

Inside illustrations by Allie Runnion, Andrew Gardner, Becky Davies, Charlotte Archer, Emma Jayne, Holly Sterling, Hui Skipp, Jessica Smith, Katie Wilson, Lily Rossiter, Michelle Hird, Nan Lawson, Olivia Holden, Rachel Allsop, Rachel Sanson and Sam Loman

Images of Scout and Sammy Jo by Sarah Kathryn Bean (P.147)

Persian Translation © Houppaa Publication, 2020

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از نویسنده‌ی آن، Kimberlie Hamilton، و ناشر آن، Scholastic، خریداری کرده است.

## رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، **کیمبرلی همیلتون**، و ناشر خارجی آن، **اسکولاستیک**، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از **هوپا**، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت **کیمبرلی همیلتون** این کار را کرده است.

سرشناسه: همیلتون، کیمبرلی  
Hamilton, Kimberlie  
عنوان و نام پدیدآور: گربه‌های جسور! سرگذشت شجاعانه‌ی پیشی‌سانان پر شر و شورا  
نویسنده کیمبرلی همیلتون؛ مترجم خاطره کردکریمی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ص: مصور ( رنگی).  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۶-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Rebel cats! : brave tales of feisty felines.  
عنوان دیگر: سرگذشت شجاعانه‌ی پیشی‌سانان پر شر و شورا.  
موضوع: داستان‌های نوجوانان انگلیسی -- قرن ۲۱م.  
موضوع: Young adult fiction, English-- 21st century  
موضوع: گربه‌ها -- داستان  
موضوع: Cats -- Fiction  
شناسه افزوده: کرد کریمی، خاطره، ۱۳۶۹ - مترجم  
رده بندی کنگره: PZ7(1)  
رده بندی دیویی: [ج]۸۲۳/۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۱۸۸۵۷

## گربه‌های جسور!

### سرگذشت شجاعانه‌ی پیشی‌سانان پُر شر و شور

نویسنده: کیمبرلی همیلتون

مترجم: خاطره کردکریمی

ویراستار: فرزانه فرزانیان

مدیرهنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: فائزه فغفوری

چاپ اول: ۱۳۹۹





تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۶-۶





آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی. صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۳۰  
www.hoopa.ir info@hoopa.ir  
■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
■ هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.



به اسکات، سَمی جو، اِلسا و ویسکرز؛  
چهار تا گربه‌ی خیلی خیلی ناز



ترجمه‌ای برای  
برسون، لوسی و هَپِل



## فهرست



۱۳	گربه‌ها هم می‌توانند قهرمان باشند!
۱۴	کی چی شد؟
۱۸	بی‌پر بوم، سلطان صحنه‌های تئاتر
۲۰	خرافات چرند (و ابلهانه)ی گربه‌دار
۲۲	باب، گربه‌ای خیابانی که پایش به هالیوود باز شد
۲۴	چطور می‌شود گفت گربه‌ای دوستان دارد
۲۶	کولینز، قاچاق‌سوار نیوزیلندی
۲۸	گربه‌ها، آهای!
۳۰	چالوگنی، رفیق دوست‌داشتنی بهار بند
۳۲	دیویی، معروف‌ترین گربه‌ی کتابخانه‌ای دنیا
۳۴	گربه در کتاب‌ها
۳۶	دورکینز، پیشی کلیسای جامع که با ملکه دیدار کرد
۳۸	پیشی‌های فراجهانی
۴۰	فیث، گربه‌ای کلیسایی که الهام‌بخش یک ملت شد
۴۲	آیا گربه‌ها حس ششم دارند؟
۴۴	نُه جان: داستان جان به‌دربردن گربه‌ها
۴۶	فلیست، گربه‌فضانورد فرازمینی
۴۸	هامفری، سَر‌موش‌گیر جزایر بریتانیا
۵۰	موش‌گیرهای مُقتدر!
۵۲	ماتیلدا، مدیر پشمالوی مهمانِ الگانکوئین

۱۰۲	سیمون، قهرمان جنگ نیروی دریایی بریتانیا	۵۴	موريس، اولین گربه معروفِ تلویزیونی آمریکا
۱۰۴	گربه‌های رکورددار	۵۶	کارآفرینان پیشی‌سان
۱۰۶	اسنوبال، گربه‌ای که معمای قتلی را حل کرد	۵۸	مورکا، ستاره‌ی باله‌ی ضدجاذبه
۱۰۸	ساکس، «گربه‌ی اول» آمریکا	۶۰	بجنب پیشی، بجنب!
۱۱۰	پیشی‌های جاهای اعیانی	۶۲	گربه از پوزه تا دُم
۱۱۲	استابس، شهردار السکن	۶۴	خانم چیپی، گربه‌ی کاشف سوار بر اِندورنس
۱۱۴	گربه‌های مسئول!	۶۶	گربه‌های پیشرو
۱۱۶	وقتی گربه‌ها ایزد بودند	۶۸	نورا، پیشی کنسرتونواز
۱۱۸	تام، پشمالوترین رئیس ایستگاه قطار ژاپن	۷۰	نور، دوربین، نعنای گربه‌ای!
۱۲۰	عشق گربه در شرق دور	۷۲	اسکار، دروگر مرگِ گوگولی
۱۲۲	تاوسر، مرگ‌آورترین گربه‌ی کارخانه‌ی غلات در جهان	۷۴	گربه‌های مَخوف
۱۲۴	احتیاط: گربه‌ها مشغول کارند	۷۶	اسکار، گربه‌ای با اندام مصنوعی
۱۲۶	تریم، ماجراجوی استرالیایی در آب‌های آزاد	۷۸	گربه‌های الهام‌بخش
۱۲۸	راهنمای سفر به جهان برای گربه‌دوست‌ها	۸۰	پیتوتچی، پیشی‌ای که سر نازی‌ها کلاه گذاشت
۱۳۰	تیریکسی، زندانی برج لندن	۸۲	خرس قطبی، گربه‌ای که با کریسمس آمد
۱۳۲	قدرت آرامش‌بخشی گربه‌ها	۸۴	۱۰ راه کمک به گربه‌های نیازمند
۱۳۴	حقایق باورنکردنی (ولی واقعی) درباره‌ی گربه‌ها	۸۶	پایرو، گربه‌ی پرنده‌ی جنگ جهانی دوم
۱۳۸	گاه‌شمار گربه‌های جسور	۸۸	اتاق ۸، بخت‌آورِ اسطوره‌ای مدرسه
۱۴۰	جواب آزمون «چرا گربه‌ها این قدر عجیب‌اند؟»	۹۰	گربه‌های ناجی
۱۴۲	مطالعه‌ی بیشتر	۹۲	سَم، گربه‌ی غرق‌نشدنی
۱۴۵	درباره‌ی نویسنده	۹۴	گربه‌های رزم!
۱۴۶	درباره‌ی تصویرگران	۹۶	قهرمان‌های جنگ پیشی‌سان
۱۵۲	پانویس	۹۸	اسکارلت، شجاعت در آتش
۱۵۳	نمایه	۱۰۰	چرا گربه‌ها این قدر عجیب‌اند؟





## گربه‌ها هم می‌توانند قهرمان باشند!



گربه‌ها ماجراجواند و مادرزادی بلدند چطور جان سالم به در ببرند. خیلی‌هایشان زندگی‌هایی باورنکردنی، الهام‌بخش و جذاب داشته‌اند، منتها تاریخ یا فراموششان کرده یا نادیده‌شان گرفته. غیرمنصفانه است، نه؟

این کتاب قصه‌ی راستی‌راستی بیش از ۳۰ پیشی واقعی را تعریف می‌کند که قهرمان داستان‌های خودشان‌اند.

اینجا از اسطوره‌های جنگ جهانی دوم، دریانوردان بی‌باک آب‌های آزاد، رکوردداران جهانی گینس، گربه‌هایی که مایه‌ی الهام کتاب‌های پرفروش شدند و کلی چیز دیگر - حتی «گربه‌ای فضانورد» که به خارج جو زمین سفر کرد (و موفق شد به زمین برگردد تا قصه‌اش را تعریف کند) - خواهید دانست.

حاضرید؟ پس آماده‌ی چند حقیقت چشمگیر درباره‌ی پیشی‌سانان و ماجراجویی‌های موسیخ‌کن باشید!



## کی چی شد؟

۷۵۰۰ قبل از میلاد مسیح  
اولین گربه‌ی دست‌آموز  
همراه صاحبش دفن شد.  
کنار هم، تا ابد!

۹۸۰ قبل از میلاد مسیح  
تاجرهای یونانی و فنیقی  
پای گربه‌ها را به اروپا باز  
کردند.

۵۵۰ قبل از میلاد مسیح  
رومی‌های مهاجم پای گربه‌ها  
را به بریتانیا باز کردند.

۵۰۰ قبل از میلاد مسیح  
امپراتور چین یک بچه‌گربه  
هدیه گرفت.

۴۰۰۰ قبل از میلاد مسیح  
در مصر باستان با گربه‌ها مثل  
خدا رفتار می‌کردند.

۶۰۰  
حضرت محمد (ص)  
پیروانش را به خوش رفتاری  
با گربه‌ها تشویق می‌کرد.

۱۲۳۳

پاپ گریگوری نهم گفت  
گربه شاید ابلیسی باشد  
که تغییر قیافه داده.

۸۰۰  
یک راهب گمنام ایرلندی  
برای گربه‌اش، پَنگِر بان،  
شعر سرود.

۱۴۹۲

گربه‌ها سوار بر کشتی‌های  
کریستف کلمب به قاره‌ی  
آمریکا رسیدند.

۱۳۴۸

گربه‌ها عامل شیوع مرگ  
سیاه (یا طاعون بزرگ)  
فرض می‌شدند. (که  
حقیقت ندارد!)

۱۰۰۰

موش‌ها، موش‌ها، موش‌ها!  
شهرهایی که دم‌به‌دم شلوغ‌تر  
می‌شدند، به گربه‌ها حسابی  
نیاز داشتند.

دهه‌ی ۱۶۰۰

خبر فوری: گربه‌ها دیگر  
عامل شیوع طاعون فرض  
نمی‌شدند! او!

۱۶۰۶

در نمایش‌نامه‌های شکسپیر  
بیش از ۴۰ بار به گربه‌ها  
اشاره شده؛ منتها به‌ندرت با  
روی خوش.

۱۸۷۱

اولین نمایش گربه‌ها در  
قصر بلورین لندن برگزار  
شد.

۱۹۱۱

بریتانیا قانون «حمایت  
از حیوانات» را تصویب  
کرد.

۱۶۹۲

محاکمه‌های جادوگری در  
شهر سیلم، آمریکا، خبر بد  
برای گربه‌ها.

۱۹۳۹

جنگ جهانی دوم شروع  
شد. گربه‌ها هم در  
پشتیبانی جنگ نقش  
داشتند.



۱۹۶۶

«قانون رفاه حیوانات» در  
ایالات متحده‌ی آمریکا  
تصویب شد.



۲۰۰۱

اولین گربه‌ی شبیه‌سازی‌شده‌ی  
دست‌آموز به‌دنیا آمد: گربه‌ای به  
نام «سی‌سی» (مخفف Copy Cat  
که یعنی «گربه‌ی کپی»).

۱۹۹۵

برای اولین بار، تعداد گربه‌های  
دست‌آموز از سگ‌ها در ایالات  
متحده‌ی آمریکا پیشی گرفت.  
بریتانیا هم با فاصله‌ی کمی بعد  
از آمریکا قرار داشت.

۲۰۰۶

قوانین جدید ایالات متحده می‌گویند  
در هنگام فجایع حیوانات خانگی را  
هم باید همراه صاحبانشان نجات داد.  
«قانون رفاه حیوانات» در بریتانیا  
هم تصویب شد که آزار گربه‌ها را  
غیرقانونی کرد.

۲۰۱۸

۵۰۰ میلیون گربه در سراسر  
جهان زندگی می‌کنند (که  
شمارشان رو به افزایش  
هم هست). این روزها،  
عقیم‌کردن گربه‌ها بیش از  
پیش اهمیت دارد.

۱۹۱۴

گربه‌ها هم پشت سنگرهای  
جنگ جهانی اول خدمت  
می‌کردند.





گربه‌های  
جسور!



## بی‌یربوم سلطان صحنه‌های تئاتر

روزگاری بود که هر سالن تئاتر گربه‌ی خودش را داشت. گربه‌های تئاتری موش می‌گرفتند و به قولی شانس می‌آوردند؛ به‌خصوص گربه‌سیاه‌ها. بعضی بازیگرها حتی پیشی‌سیاه‌های خودشان را یواشکی به پشت صحنه می‌بردند تا مطمئن باشند اجرای موفق دارند!

معروف‌ترین این گربه‌های تئاتری، راه‌راه خیلی بود به نام بی‌یربوم! او ۲۰ سال از عمر طولانی‌اش را در سالنی گذراند که حالا به نام «تئاتر گیل‌گود» محله‌ی وست‌اند لندن شناخته می‌شود.

بی‌یربوم دوست داشت خودش را برای بعضی بازیگرها لوس کند. او آن‌ها را غرق توجه می‌کرد، دور مچ پاهایشان تاب می‌خورد و توی اتاق رختکنشان چرت می‌زد. او دست‌کم یک بار هم در طول نمایش، درست وسط اجرا، سلانه‌سلانه به صحنه می‌آمد! تقدیر این گربه بود که با داشتن اسمی عجیب، مثل بی‌یربوم، مورد توجه همه باشد. نام او را از روی جناب هربرت بی‌یربوم تری، بازیگری انگلیسی و مدیر سالن تئاتر، برداشتند که در اواخر ۱۸۰۰ و اوایل ۱۹۰۰ زندگی می‌کرد.

بی‌یربوم هم مثل خیلی از گربه‌ها ممکن بود یک‌هوا آتش بسوزاند. او یک بار پَر چند تا از کلاه‌های اتاق تعویض لباس را جَوید. یک بار دیگر هم مجموعه‌ای از پرنده‌پارچه‌ای‌های کمد وسایل صحنه را پاره‌پاره کرد. اما زشت‌ترین کارش؟ اینکه یک بار صحنه‌ای شن‌پوش را عوض ظرف خاکی گنده گرفت. دل تماشاجی‌ها برایش ضعف رفت. ولی بازیگرها؟ نه چندان.

فلور، پیشی‌سالن تئاتر همسایه، بهترین دوست بی‌یربوم بود. او اغلب با لایی کشیدن بین تاکسی‌سیاه‌ها و اتوبوس‌قرمزهای دوطبقه‌ی لندن به دیدن فلور می‌رفت.

این گربه‌ی تئاتری دوره‌ی بازنشستگی آرام و بی‌ماجرایش را همراه یکی از نجارهای سالن در حومه‌ی شهر گذراند. پرت‌های از او هنوز در سرسرای سالن گیل‌گود، در محلی ویژه، آویزان است.

۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵

انگلستان

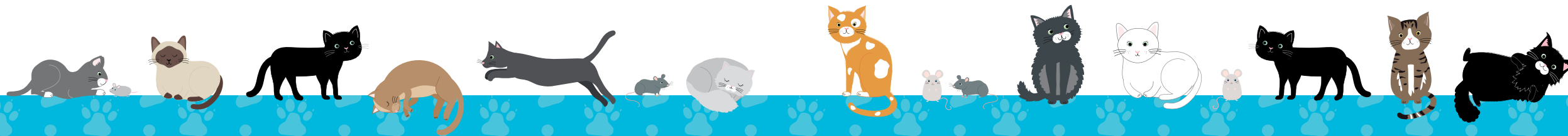
## خرافات چرند (و ابلهانه)ی گربه‌دار



همان‌طور که بی‌یربوم هم خوبِ خوب می‌دانست، اهالیِ تئاتر گاهی درباره‌ی هر چیزی که ممکن باشد نمایش را برهم بزند، خیلی خیلی خرافاتی می‌شوند. مثلاً بازیگرهای انگشت‌شماری هستند که داخل سالن بگویند «مکبث»؛ عوضش می‌گویند «نمایش اسکاتلندی»، چون باور دارند آوردنِ اسم «مکبث» داخل سالن مصیبت به بار می‌آورد. سوت‌زدن داخل سالن هم از آن «نبایدهای» گنده است. بهتر است هیچ‌وقت هیچ‌وقت هم به یک بازیگر نگویند «بخت یارت»؛ به جایش بگویند: «دست خدا به همراهت!»

انگار بیشتر از هر حیوان دیگری درباره‌ی گربه‌ها خرافات هست؛ به خصوص گربه‌سیاه‌ها. این هم چند تا خرافات گربه‌دار (که البته همه‌شان جَفَنگ‌اند):

- 🐾 گربه‌ای که خودش را می‌لیسد، مژده‌ی مهمان می‌دهد.
- 🐾 بچه‌گربه‌ی عطسه‌تُو خوش‌شانسی می‌آورد.
- 🐾 زنی که گربه‌سیاه دارد، مثل آب خوردن شوهر می‌یابد.
- 🐾 اگر گربه‌ای سر راهتان سبز شود، نشانه‌ی بدشانسی است. البته بسته به جایی که زندگی می‌کنید، شاید نشانه‌ی خوش‌شانسی هم باشد.
- 🐾 یک تار سیل گربه را توی کیف پولتان بگذارید تا پولدار شوید.
- 🐾 اگر به ازای گربه پول بدهید، هرگز موش‌گیر خوبی از کار در نمی‌آید.
- 🐾 یافتن موی سفید روی تن گربه‌سیاه خوش‌شانسی می‌آورد.
- 🐾 گربه‌ای که از پنجره وارد خانه‌ی تازه می‌شود، هرگز فرار نمی‌کند.
- 🐾 گربه‌ی سه‌رنگ آدم را از شر تب و آتش حفظ می‌کند.





## باب

### گره‌های خیابانی که پایش به هالیوود باز شد

شبی سرد در لندن، نوازنده‌ی خیابانی بخت‌برگشته‌ای به نام جیمز گره‌راه‌راه زخمی و گرسنه‌ای پیدا کرد. جیمز کمی به او غذا داد، به دامپزشکی بردش و مختصر پولی را که داشت خرج دوا و درمان پیشی بی‌نوا کرد. او نام گره‌های نارنجی مهربان را «باب» گذاشت.

باب بعد از خوب‌شدن زخم‌هایش از پیش جیمز نرفت. هر جا جیمز می‌رفت، دنبالش راه می‌افتاد. روی شانه‌ی جیمز این‌ور و آن‌ور می‌راند و حتی همراه او با اتوبوس و قطار زیرزمینی لندن سفر می‌کرد. موقعی که جیمز در گوشه‌وکنار خیابان گیتار می‌زد و آواز می‌خواند، باب روی قاب گیتار می‌نشست و با آرامش رفت‌وآمدها را تماشا می‌کرد. گاهی هم با پنجه‌اش به کف دست جیمز می‌زد که همیشه خنده به لب تماشاچیان می‌نشاند.

مسافران کم‌کم فقط برای حرف‌زدن با باب و عکس‌گرفتن از او می‌ایستادند. آن‌ها عکس‌ها و ویدئوهای باب و جیمز را در اینترنت منتشر کردند. یک کارگزار ادبی این عکس‌ها و ویدئوها را دید و پیش خودش فکر کرد از این داستان دلگرم‌کننده کتاب خوبی درمی‌آید.

حق با این خانم بود. گره‌های خیابانی به نام باب خیلی زود در کشورهای سراسر جهان پرفروش شد. جیمز بعد از آن به نوشتن کتاب‌های دیگری درباره‌ی گره‌های عزیزش ادامه داد. البته این اتفاق اوج شهرت گره‌های باب نبود. اوجش آنجا بود که از روی گره‌های باب فیلمی هالیوودی ساختند! برنامه‌ی کارگردان در اصل این بود که از «بدل‌های باب» - شش گره‌ی تربیت‌شده‌ی بازیگر - استفاده کند، ولی توی سر باب فکرهای دیگری می‌چرخید. او موقع فیلمبرداری یکی از صحنه‌ها دل همه را برد، و از آنجا به بعد هر جا ممکن شد، نقش خودش را بازی کرد.

باب در فرش قرمز اکران افتتاحیه‌ی فیلم، به هوادار سلطنتی‌اش - کیت، دوشس کمبریج - معرفی شد. برای گره‌های که قبلاً بی‌خانمان بوده، بد هم نیست!

متولد حدود ۲۰۰۷  
انگلستان



## چطور می‌شود گفت گربه‌ای دوستتان دارد

گربه‌ها را به گوشه‌گیری می‌شناسند، ولی آیا آن‌ها واقعاً همان موجودات سردی هستند که گاهی نشان می‌دهند؟ خیلی از گربه‌ها درست مثل باب پیوند عاطفی نزدیکی با صاحبانشان برقرار می‌کنند. چند نمونه از راه‌هایی که گربه‌ها توجهشان را نشان می‌دهند از این قرارند:

- ✹ خُر خُر صدای زیری است که گربه‌ها وقتی راحت و شادند، از خودشان درمی‌آورند.
- ✹ قِل خوردنِ طاق‌باز گربه روی زمین یعنی به شما اطمینان دارد.
- ✹ خودمالی به وضعیتی می‌گویند که گربه لپ‌ها یا سرش را به شما می‌مالد.
- ✹ وَرز دادن پای شما کاری است که گربه وقتی احساس خشنودی می‌کند، انجام می‌دهد.
- ✹ خوابیدن روی پا یا تختتان نشانه‌ی این است که گربه احساس راحتی می‌کند.

- ✹ پلک‌زدنِ آهسته «بوس» گربه‌ای است. شما هم در جواب برایش پلکِ آهسته بزنید.
- ✹ دُمِ سیخ یعنی «از دیدنت خوش‌حالم!». گربه‌ای که پشتش را به صورتتان می‌کند هم همین منظور را دارد.
- ✹ میومیو کاری است که گربه‌ها فقط وقتی می‌خواهند با آدم‌ها «حرف بزنند» انجام می‌دهند. گربه‌ها معمولاً برای گربه‌های دیگر میومیو نمی‌کنند.
- ✹ لیس‌زدن پوست یا گازگازکردن موهاتان یکی دیگر از راه‌های بانمک نشان‌دادن محبتشان است.
- ✹ هدیه‌دادن حشره یا موش مرده روش گربه‌هاست برای گفتن «دوستت دارم.» (گربه‌ها می‌دانند که آدم‌ها بی‌دست‌وپاتر از آن‌اند که خودشان بتوانند چنین شکار خوشمزه‌ای را به چنگ بیاورند!)





## کولینز قاچاق‌سوار نیوزیلندی

کولینز<sup>۳</sup> (مالِ کولین) در محل بارگیری محموله‌های نفتی در بندر تاراناکا<sup>۴</sup> نیوزلند ساکن بود. همه او را از روی نام مردی که پیدایش کرده بود، گربه‌ی کولین (یا کولینز خالی) صدا می‌کردند. کولینز هر حقه‌ای می‌شد سوار می‌کرد تا آدم‌ها را وادار کند بهش غذا بدهند. روزی آن قدر برای یکی از خدمه‌ی نفت‌کش گنده‌ای به نام تومیواکا<sup>۵</sup> دلبری کرد که بالاخره برای صرف میان‌وعده سوارش کرد. آن دو توی کابین مرد خوابشان برد و وقتی بیدار شدند، کشتی راهی کره‌ی جنوبی شده بود!

ناخدای کشتی که متوجه حضور این مسافر قاچاقی پشمالو شد، به همه در نیوزیلند خبر داد که جای کولینز امن است. به علاوه گرسنه هم نمی‌ماند. کل خدمه‌ی کشتی به پیشی نیوزیلندی لقمه‌لقمه سالمون، گوشت گاو و چیپس می‌دادند.

ولی کولینز چطور قرار بود به خانه برگردد؟ تومیواکا قصد نداشت به نیوزیلند برگردد و جابه‌جایی کشتی به کشتی هم ممکن بود خیلی خطرناک باشد. تنها گزینه این بود که او را طی آن سفر ده‌هزار کیلومتری روی کشتی نگه دارند تا به محض رسیدن به کره، فکر چاره‌ای کنند. تا آن وقت خبر ماجراجویی کولینز در تمام دنیا پیچیده بود. یک خط هوایی پیشنهاد داد مدیر ارشد بندر تاراناکا را با هواپیما به کره ببرد تا گربه را بگیرد. وقتی کشتی تومیواکا بالاخره پهلو گرفت، چهار فیلمبردار دست‌به‌دوربین آماده‌ی ضبط این دیدار دوباره‌ی شاد بودند.

کولینز با خدمه‌ی نفت‌کش خداحافظی کرد و همراه مدیر بندر به نیوزیلند پرواز کرد. جمعیت انبوهی در فرودگاه به استقبالش آمدند و شهردار نشان مخصوصی به او هدیه داد. بهتر از همه اینکه، یک شرکت غذای گربه تأمین خوراک این پیشی‌نترس را تا آخر عمر برعهده گرفت. کولینز دیگر هرگز پایش را از بندر تاراناکا، که از آن به بعد «خانه‌ی گربه‌ی کولینز» صدایش می‌کردند، بیرون نگذاشت.

۱۹۹۱ تا ۲۰۰۷

نیوزیلند





## گربه‌ها، آهای!



از خیلی خیلی قدیم، گربه‌هایی مثل کولینز با کشتی سفر می‌کرده‌اند. در طول قرن‌ها، حضور گربه‌ها توی کشتی به چنان سنتی تبدیل شده که بسیاری از دریانوردان بدون گربه کشتی‌شان را راه نمی‌اندازند!

### گربه‌ها و آب‌وهوا

در باورهای عامیانه‌ی کشتی‌ها آمده که گربه‌ها قادرند آب‌وهوا را پیش‌بینی کنند، ولی چنین چیزی جدی‌جدی حقیقت دارد؟ جواب... «شاید» است. گربه اغلب می‌تواند خیلی زودتر از انسان متوجه تغییرات آب‌وهوا بشود. چشم از پیشی‌تان بردارید تا ببینید از این گفته‌های قدیمی واقعیت دارند یا نه:

❗ اگر گربه‌ای عطسه کند، باران در راه است.

❗ وقتی گربه‌ای هر چهار پنجه‌اش را زیر شکم جمع کند و بخوابد، یعنی هوا سرد می‌شود.

❗ اگر گربه‌ای خمیازه بکشد و کش‌وقوس بیاید، یعنی هوا مطبوع است.

❗ وقتی گربه‌ای بازبگوشی کند، یعنی وزش باد شدت می‌گیرد.

❗ گربه که بلند میومیو کند، یعنی سفر سختی در پیش است.

❗ بیرون انداختن گربه از عرشه‌ی کشتی، طوفانی حساسی راه می‌اندازد!

### گربه‌های معروف کشتی‌سوار

بلکی<sup>۱</sup> وقتی گربه معروف شد که جناب وینستون چرچیل، نخست‌وزیر بریتانیا در طول جنگ جهانی دوم، سوار کشتی نیروی دریایی سلطنتی شد و دوستانه نوازشش کرد. اسم گربه کمی بعد به «چرچیل» تغییر کرد.

کانوی<sup>۲</sup> مثل تمام دریانوردان کشتی اچ‌ام‌اس هرمانی<sup>۳</sup> نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا توشه‌ی سربازی گرفت که در آن یک ننوی ریزه‌پیزه هم برای خوابیدنش بود.

پیبلز<sup>۴</sup> در طول جنگ جهانی دوم در کشتی اچ‌ام‌اس وسترن آیلز<sup>۵</sup> نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا خدمت می‌کرد. او عاشق این بود که برای خدمه جنگلک‌بازی‌هایی مثل پریدن از حلقه درآورد.

تیدلز<sup>۶</sup> موش‌گیر چندین ناو هواپیمابر نیروی دریایی سلطنتی بود. او از جمله‌ی دلایلی است که در بریتانیای کبیر اغلب فکر می‌کنند گربه‌سیاه‌ها خوش‌شانسی می‌آورند.

#### آیا می‌دانستید؟

همسران دریانوردان اغلب گربه‌سیاهی توی خانه نگه می‌داشتند تا همسرانشان صحیح‌وسالم برگردند.



«به عقیده‌ی یک کرم، عجیب است که  
انسان کتاب‌هایش را نمی‌خورد.»

بخشی از شعر «کرم‌های شب‌تاب» / رابیندرانات تاگور

**هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی**



اینستاگرام هوپا

hoopa\_publication



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>



سایت هوپا

[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)



باشگاه هوپایی‌ها

<https://t.me/hoopaclub>

